

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبد اللطیف صدیقی لندری

فریاد پر نیاز

با عجز در حریم وفا گریه میکنم
هم آشکار و هم به خفا گریه میکنم
دل جایگاه پرتو ذات خداست بین
با صد هزار دست دعا گریه میکنم
زاهد درون مسجد و ما سوی میکند
او از ریا و من به خدا گریه میکنم
خُمها درون میکند در جوش و در خروش
از شور حق به صوب سما گریه میکنم
بال و پرم شکست به تیر قضای غیب
بی بال و پر ز لانه جدا گریه میکنم
آئینه صفاتم و لاهوت مسکنم
دیگر مگو مرا که چرا گریه میکنم
رفتی و در فراق تو دل ها بخون نشست
با اشک غم به صبح و مسا گریه میکنم
بیر مغان که عالم قدس است جای او
در پیشگاه پاک خدا گریه میکنم
منصور وار بانگ انالحق زدم بسی
در پیش دار ز سیر قضا گریه میکنم

آن باده صفات که در دست غیب بود
در آرزوی وصل و لقا گریه میکنم
موجیم و عافیت نپسندد وجود ما
با صد هزار بانگ و صدا گریه میکنم
این قامت خمیده دو تا شد ز درد عشق
بالحظه های لرزش پا گریه میکنم
خلوت گزیده ام من درویش بینوا
در عالم فنا و بقا گریه میکنم
ساقی بیار باده که از خود شوم دمی
در پای خُم و جام صفا گریه میکنم
مارا بس است پند دروغین زاهدان
از وعده های مکر و ریا گریه میکنم
مائیم کنج میکرده و درد و رنج عشق
در برق سوز و ساز و نوا گریه میکنم
گم گشتگان ساحل غلتان عشق یار
در بحر عشق کرده شنا گریه میکنم
سوز درون آتش دل موج می زند
سوزم چو شمع بی سر و پا گریه میکنم
دست امید لطف دمی ده به دست من
در روضه تو شیر خدا گریه میکنم
عنقای قاف قدسم و پرواز مانگر
چون مرغ نوحه گر به فضا گریه میکنم
فریاد پر نیاز لطیف شنو خدا
با های و هوی و شور و نوا گریه میکنم